نکته ورزشی

جامعه ورزش، قدردان ورزش باشد!

عکس تزئینی است

سرویس ورزشی- حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان در آیین تجلیل از ورزشکاران و مدال‌آوران خطاب به حاضران گفت: «شما در صحنه‌های ورزشی برای همه ملت قهرمانی می‌آفرینید و نشاط به ارمغان می آورید و در واقع در کنار سایر نخبگان و فرهیختگان، مددکار امید و تدبیر در جامعه هستید.» این بخش از سخنان رئیس‌جمهور محترم را آوردیم تا به این موضوع تاکید کنیم که کشور، انقلاب، رهبری، مسئولان و مردم، ورزش را امری مهم و بااهمیت می‌دانند و از قهرمانان ورزشی می‌خواهند که در این عرصه یار و یاور و... مددکار کشور و پیام‌آور انقلاب باشند. رهبر انقلاب در دیدار اخیر خود با جمعی از اهالی ورزش از تلاش جمهوری اسلامی برای بسط و توسعه فرهنگ «قهرمان‌پروری» سخن گفتند و اینکه تلاش می‌شود در همه عرصه‌های علمی،اخلاقی، ورزشی و... «قهرمانان» پرورش یابند و... و هفته گذشته نیز ریاست‌محترم جمهوری از ورزشکاران مانند «سایر نخبگان و فرهیختگان» یاد کرد که مددکار «امید و تدبیر» در جامعه هستند. و... البته از این نمونه‌ها و تاکیدات بسیار فراوان است و اینها جملگی از اهمیت و جایگاه محترم و مهم ورزش در نظام جمهوری اسلامی حکایت می‌کند. با این اوصاف این برعهده جامعه ورزش، مسئولان و برنامه‌ریزان عرصه ورزش و قهرمانان و مربیان و ورزشکاران است که قدر و اهمیت خود را بدانند، کلاس و شخصیت خود را حفظ کنند و با تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق و دلسوزانه، در مسیر پیشرفت و ارتقای جایگاه و کلاس خود تلاش کنند. برای این کار تردیدی نیست که اهالی ورزش، عصاره‌ها و چکیده‌های ورزش که اهل قلم و درد هستند، با درک این موضوع و با تکیه بر تجربیات و توانایی‌های خود می‌توانند بالاترین و بیشترین نقش را داشته باشند و بر همین اساس از سوی مسئولان و سکانداران ورزش باید به میدان خدمت و مسئولیت فراخوانده شوند. بدیهی است کسانی که طلبکارانه و فرصت‌طلبانه به موضوع «ورزش» نگاه می‌کنند و ورزش را «طعمه‌ای» برای ارضای تمنیات شخصی و تامین منافع باندی و مالی خود می‌بینند، نباید در ورزش محلی از اعراب داشته باشند و شرایط و فضای حاکم باید به گونه‌ای باشد که این جریانات انگل، سودجو، طماع و فرصت‌طلب عرصه را برای فعالیت مخرب خود تنگ ببینند و جل و پلاس خود را جمع کرده، جای دیگری را هدف تحقق افکار کوچک و خواسته‌های پست خود قرار دهند.

این خیلی غیرمنطقی و دور از انصاف است که از بزرگ و کوچک کشور و جامعه برای ورزش و ورزشکاران اهمیت و احترام قائل باشند، برای آنها کارکرد و نقش ممتاز و موثری چون سایر حوزه‌های اجتماعی از سیاسی و ملی گرفته تا هنری و اقتصادی، در نظر بگیرند، از آنها «انتظار» انجام کارهای بزرگ و وظایف اجتماعی در جهت مدد به ملک و ملت داشته باشند و...، اما جامعه ورزش، خود را دستکم بگیرد، اهمیت و نقش خود را درک نکند، در قبال انتظارات مردم و مسئولان احساس وظیفه نکند و با سهل‌انگاری و لاقیدی یا از سر خوش‌خیالی و ساده‌انگاری اجازه دهد هر کس و ناکسی، هر غریبه تازه از گرد راه رسیده‌ای بر مسند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بنشیند و خط و ربط ورزش را تعیین کند و حوزه بااهمیت و حساسی چون ورزش را و جامعه محترم و پرافتخاری چون ورزشکاران را جهت اهداف کوچک و حقیر خود اعم از مادی، سیاسی و باندی و... به خدمت بگیرد و موجب فساد و تباهی و بند و بست و... در ورزش شود.

خطری که جدی گرفته نشد

این موضوع جدی و خطری غیرقابل انکار است که صدالبته فقط از نظر ذهنی و نظری قابل بحث و طرح نیست. متاسفانه چون این موضوع جدی گرفته نشده و این خطر بارها جامعه ورزشی را تهدید کرده و اثرات سوء و زیانبار خود را بر تار و پود آن گذاشته و به عنوان بزرگ‌ترین مانع بر سر راه پیشرفت بایسته و مورد انتظار ورزش نقش ایفا کرده است اگر کاری تحقیقی و علمی صورت بگیرد، بهتر می‌توان درباره سرمنشاء و ریشه فساد و تباهی رخنه‌کرده در ورزش صحبت کرد، اما همین طور و با تکیه بر تجربیات و مشاهدات ملموس و غیرقابل انکار می‌توانیم بگوئیم، ریشه و سرمنشاء رخنه و نفوذ فساد و فاسدان در ورزش را باید در مدیریت غیرورزشی‌هایی که بدون شناخت از ورزش و در مقاطعی عهده‌دار مناصب و مسئولیت‌های مهم و حساس ورزشی شده‌اند، پیدا کرد. مدیریت‌هایی که شاید - و حتما- خود اهل فساد و تباهی نبوده، به قصد خدمت آمده بودند، اما به خاطر عدم شناخت از آدم‌ها، از فضا، از حوزه مسئولیتی و عرصه ورزش، به دام جریانات سودجو، مخرب و مارهای خوش‌خط و خال افتاده‌اند و چون به ساز و آهنگ آنها حرکت کرده، به مشاورت‌های غلط آن نابکاران گوش کرده و عمل نموده کار و بار ورزش را به انحراف کشانده و مانع از حرکت ورزش در مسیر بایسته و شایسته و منتهی به هدف مورد انتظار ملک و ملت شده‌اند و...

غرض این است که جامعه ورزشی، از کوچک و بزرگ باید قدر خود را بداند و اجازه ندهد کسی، جریانی به هر دلیل و بهانه‌ای او را مورد سوءاستفاده قرار دهد. از این روست که مسئله «مبارزه با فساد» در ورزش هم باید از سوی همگان امری جدی و نه شوخی و سرسری، اصلی و نه فرعی و دسته چندم و.. قلمداد شود و هر کس به سهم خود در این باره کوشا و جهادگر باشد. روشن است که در این باره مسئولان نقش مهمتری هم در دفع فاسد و فساد دارند و هم در ایجاد مانع برای رخنه و نفوذ این جریانات به ورزش دارند. تردیدی نیست که جریانات فاسد و مخرب برای رسیدن به اهداف خود، ابتدا در مسئولان طمع می‌کنند و از طریق آنهاست که وارد می‌شوند و اجازه دخل و تصرف و دخالت و جولان‌دادن پیدا می‌کنند. باری مسئله فساد در ورزش، علی‌رغم ناخوشایند بودن، واقعیتی است که انکار نمی‌توان کرد، که انکار آن نه‌تنها دردی را دوا نمی‌کند بلکه مشکلات را مضاعف و پیچیده‌تر می‌کند. کتمان نمی‌توان کرد که ورزش امری جذاب و پرطرفدار است و به همان نسبت هم در معرض تهدید سوءاستفاده‌چی‌ها و منفعت‌پرست‌ها و... بنابراین طبیعی است که در معرض خطر قرار بگیرد و در پاره‌ای موارد از آن سوءاستفاده شود. خوشبختانه اخیرا برخلاف گذشته که از سوی مسئولان موضع جدی گرفته نمی‌شد و هشداردهندگان را افرادی متوهم و بدبین لقب دادند، از سوی مسئولان امر، شخص وزیر محترم و... بر لزوم مبارزه جدی با فساد در ورزش تاکید می‌شود و حتی اقداماتی هم در این باره صورت گرفته است.

چگونگی پیشرفت والیبال از زبان رئیس فدراسیون

داورزنی: حالا ایران از قدرت‌های بزرگ جهان است

فدراسیون جهانی والیبال رسما اعلام کرد که ایران رشد موشکی داشته است. همین یک جمله کافی است تا بدانیم چه اتفاقی پیرامون این رشته رخ داده است.

والیبال ایران با ارائه نمایشی دلپذیر باعث شده تا خیل علاقه‌مندان بازی‌های تیم ملی را به دقت نظاره کنند. همراهی والیبالدوستان ایرانی با تیم ملی کار را تکمیل کرده است.

موفقیت‌های خیره‌کننده والیبال باعث شد تا تبلیغات منفی علیه ایران رنگ ببازد و دشمنان این مرز و بوم با پدیده‌ای شگرف روبه‌رو شوند. آنها بار دیگر به چشم دیدند که جوانان ایرانی کارهای نشدنی را به آسانی انجام می‌دهند.

والیبال که از سالها پیش برنامه‌ریزی برای حضور در جمع بهترین‌های جهان را آغاز کرده الان می‌تواند به عنوان یک الگو در سایر رشته‌های ورزشی مدنظر باشد. برای اطلاع از چگونگی پیشرفت خیره‌کننده فدراسیون والیبال، مجله کیهان ورزشی گفت‌وگویی را با محمدرضا داورزنی رئیس این فدراسیون انجام داده که گزیده‌ای از آن در ادامه می‌آید:

زمانی که کارم را در فدراسیون والیبال آغاز کردم، ۴ هدف تعیین کردیم که در همان سال ۲۰۰۶، بر روی تابلو زدیم. استراتژی ۶ سال بعد را تعیین کردیم و گفتیم که تا المپیک ۲۰۱۲، باید چه کارهایی را انجام بدهیم. مدل برنامه‌ریزی ما، یک «مدل نو» بود. ما برنامه‌ریزی را اختراع نکردیم، چرا که قبلا در جهان اختراع شده بود ولی چیزی که اتفاق افتاد به این صورت بود:ابتدا بررسی کردیم که تیم قهرمان آسیا، یا تیم قهرمان جهان و المپیک - در بالاترین سطح- دارای چه ویژگی‌هایی است. دنبال قهرمان جهان رفتیم تا از آنها سؤال کنیم. در همان مقطع من با رئیس فدراسیون صربستان، قهرمان المپیک سیدنی، جسه گذاشتم. گفتیم شما چه کار کردید که قهرمان المپیک سیدنی شدید؟ برنامه عملیاتی خودتان را برای ما توضیح بدهید. آنها هم برنامه‌های خودشان را برای ما توضیح دادند که چگونه استعدادیابی کردند و...

* از سال ۲۰۰۸، مرحوم معدنی را آوردیم و گفتیم که می‌خواهیم در سال ۲۰۱۱ قهرمان آسیا شویم. برای رسیدن به این هدف، باید کارهایی را انجام می‌دادیم. بازی‌های تدارکاتی با کشورهای مشخص جزو برنامه های ما بود. در آن مقطع آقای «زوران گائیچ» همکاری خودش را با ما قطع کرد. ایشان با یک باشگاه روسی قرارداد بسته بود و خواست که برود. ما به حسین معدنی گفتیم این کارها را انجام بده و سه سال با ایشان کار کردیم. در ۲۰۰۹ نایب قهرمان آسیا شدیم و با معدنی از رده پنجمی در ۲۰۰۵ به نایب قهرمانی آسیا در ۲۰۰۹ رسیدیم (جام ملت‌های آسیا) شرایطی ایجاد شد که ما فهمیدیم در گام بعدی اگر بخواهیم قهرمان آسیا شویم و به لیگ جهانی برویم، نیاز به تجربه برتری داریم. کدام مربی می‌تواند با بکارگیری تجربه‌اش، ما را به آن مرحله برساند؟

* در ابتدا ۳۲ مربی جهان را مورد ارزیابی قرار دادیم. کارنامه همه آنها را بررسی کردیم و در نهایت به پنج نفر رسیدیم: «آناستازی»، «ولاسکو»، «پرندلی»، و «لوزانو» جزو پنج مربی برتر بودند. در یک بررسی اجمالی، با سه نفر از اینها همزمان و مستقیم صحبت کردم. آنها را به ایران دعوت کردیم. «پرندلی» به ایران آمد. با او صحبت کردم و خواسته خودمان را به او گفتیم و پرسیدم که نسبت به والیبال ما چه نظر و باوری دارد. حرف‌های او را شنیدم و گفتیم ده روز دیگر به شما خبر می‌دهیم. تشکر کردیم و ایشان هم رفت. فردای آن روز، آقای «ولاسکو» به ایران آمد. قبلا بررسی کرده بودیم که ولاسکو در ایتالیا چه کار کرده بود. ولاسکو در اسپانیا نتیجه نگرفته بود اما در ایتالیا ۶، ۷ دوره قهرمان جهان شده بود. ما از او پرسیدیم که چگونه با والیبال ایران آشنا شده و چه شناختی از آن دارد و در نهایت خواست ما از شما چه چیزی است. از طرف دیگر با «آناستازی» هم صحبت کرده بودیم، یعنی قبل از اینکه به لهستان برود با من صحبت کرده بود که با لهستانی‌ها صحبت کرده و می‌خواهد به کشور آنها برود. من به او گفتم موفق باشی؛بنابراین آقایان پرندلی و ولاسکو ماندند و بازی باشگاهی ما را دیدند. به آنها گفتم که برنامه ما به این صورت است که سه سال بعد به کجا برویم و پنج سال بعد چه کار کنیم. اوضاع ما به این صورت است. شما چه باوری نسبت به تیم و بازیکنان ما دارید؟ اهداف خودمان را به طور مشخص اعلام کردیم. آقای ولاسکو گفت بازی‌های تیم شما را دیده‌ام و به شرایط شما آگاهم، زمان بازی‌های ۲۰۱۰ بود که ما ایتالیا را در شهر میلان پنج گیمه کردیم و ۲-۳ باختیم. من به آقای ولاسکو گفتم که اگر درست عمل کنیم، من باور دارم که موفق خواهیم شد. گفتم شما هر طرح و برنامه‌ای داری به ما بده تا آن را اجرا کنیم. فقط مسیر ما باید به اینجا ختم شود. ولاسکو گفت من آدمی هستم که دوست دارم کارهای سخت را انجام بدهم. من هم به او گفتم این گونه هستم که شما می‌گویی. گفتم که چالش ما در این خصوص است که کارهای سخت را انجام بدهیم وگرنه کارهای ساده را همه می‌توانند انجام بدهند. مسیر ما برای رفتن به المپیک از لیگ جهانی می‌گذرد. شما حساب کنید که در این راه چند بازی مهم با تیم‌های بزرگ جهانی خواهیم داشت؟ اگر این باور را داری، می‌توانیم با یکدیگر کار کنیم. او هم گفت من این باور را دارم که تیم شما از این لحاظ توانمند است و اگر یک سری نقاط ضعفش برطرف شود و تجربه پیدا کند، می‌تواند در جهان خوش بدرخشد. ما هم قبول کردیم زمانی بود که لیگ جهانی هم می‌خواست برگزار شود.

* با آقای ولاسکو در مسابقات «کوالی فیکیشن» شرکت کردیم، توانستیم قهرمان شویم و از مصر ببریم، ژاپن به ایران آمد و از ژاپن هم بردیم و برای اولین بار به لیگ جهانی رفتیم. همان سال ۲۰۱۱، جام ملت‌های آسیا را در کشورمان د اشتیم که قهرمان آسیا شدیم. پله‌ها را یکی پس از دیگری به سمت بالا طی می‌کردیم. وقتی که شما وارد لیگ جهانی می‌شوید، می‌خواهید تجربه پیدا کنیم. یک زمان ما آرزو داشتیم که یک بازی تدارکاتی با ایتالیا داشته باشیم تا بازی آنها را از نزدیک ببینیم، یا با صربستان بازی کنیم. آرزو داشتیم با کشورهای بزرگ جهان یک بازی تدارکاتی کنیم و اجازه بدهند تا با آنها بازی کنیم.

* زمانی که اولین پیروزی بزرگ را به‌دست آوردیم در خود کشورمان می‌گفتند که این پیروزی شانسی است. یک جرقه‌ای به‌وجود آمد و از بین خواهد رفت. در سال ۲۰۱۲ در اولین حضورمان در لیگ جهانی، درست است که به المپیک نرفتیم ولی این خاصیت را برای ما داشت که اولین حضور ما، قدرتمندانه بود و توانستیم در گروه «آ» قرار بگیریم، یعنی در زمره تیم‌های سطح بالای دنیا باشیم. شرایطی ایجاد شده که در ۲۰۱۳ در لیگ جهانی قرار گرفتیم و ۲۰۱۴ توانستیم حضور پیدا کنیم اما نگران‌کننده بود چون اولین سال حضور ما با ولاسکو بود و دومین سال را با آقای کواچ شرکت کردیم.

زمانی که ولاسکو از ایران رفت در بررسی لیگ ایتالیا دیدیم که یک مربی در دو سه سال گذشته، دوبار بهترین مربی شناخته شده است. او قبلا در لیگ صربستان مربی بوده و دو سال هم در آن‌جا بهترین مربی بوده است. اسم این مربی، «کواچ» بود. سوابق ایشان را که بررسی کردیم، دیدیم که حدود ۲۲ سال در تیم ملی بازی کرده و در المپیک سیدنی و المپیک قبل از آن حضور داشته است. آقای کواچ قبلا (ده، دوازده سال پیش)، دو سال در تیم ارومیه هم بازی کرده بود ولی الان جزو چهره‌هایی است که مشغول به کار است. ما به این بررسی بسنده نکردیم و با مشاور خودمان در ایتالیا صحبت کردیم و گفتیم که سوابق آقای کواچ و همچنین کار امروزی ایشان را مورد بررسی قرار بده و به اطلاع ما برسان. ایشان هم به ما گزارش داد که هیچ‌کس به لحاظ فنی و شخصیتی مخالف آقای کواچ نیست.

* پس از تغییر و تحولات کادر فنی و آمدن کواچ همه منتظر بودند که در لیگ جهانی ما با مشکل مواجه شویم ولی خوشبختانه از این مرحله هم بخوبی عبور کردیم. در سال ۲۰۱۴، جزو چهار تیم لیگ جهانی شدیم و در همان مقطع جزو شش تیم جهان شدیم که باور نکردنی بود. پس از این اتفاقات، فدراسیون جهانی گفت که ایران در والیبال رشد موشکی داشته است.

پس از موفقیت در لیگ جهانی، ایران به یکی از قدرت‌های بزرگ والیبال دنیا تبدیل شد و رفته‌رفته یک برند اجتماعی از والیبال در کشورمان ایجاد شد. مردم و خانواده‌ها، والیبال را به عنوان رشته‌ای که هویت ملی کشور را در دنیا نشان می‌دهد، شناختند. کشوری که در ۳۴ سال گذشته مورد تضعیف و تحقیر و انزوا قرار گرفته بود، ناگهان قد علم می‌کند و قدرت‌های بزرگ والیبال جهانی را شکست می‌دهد! وقتی که در قهرمانی جهان، ما در دو بازی نخست، تیم‌های ایتالیا و آمریکا را شکست دادیم، ناگهان جهشی در تفکر مردم ایجاد شد- چه در داخل و چه در خارج. همه متوجه شدند که اتفاق جدیدی در والیبال رخ داده که دارد عزت و قدرت ما را در دنیا نمایش می‌دهد! اگر نصف شب هم بازی پخش می‌شد، از کوچک تا بزرگ، آن را تماشا می‌کردند. رسانه ملی در زمان آقای ضرغامی گفته بود که بالای ۴۰ میلیون نفر والیبال را تماشا می‌کنند و این یک اتفاق جدیدی بود. قبل از آن این نگرانی وجود داشت که همزمانی مسابقات جهانی فوتبال و والیبال به ضرر والیبال باشد ولی دیدند که این رشته جایگاه مناسب خودش را در بین مردم پیدا کرده است. مردم با علاقه‌مندی بسیار، مسابقات را تعقیب می‌کردند.

* پیشرفت والیبال ایران از ششمی آسیا به ششمی جهان خیلی سریع به وقوع پیوست اما راه سختی را ما طی کردیم. در کنار این پیشرفت، ما در جهت بی‌نیازی از دولت در مسیر توسعه مالی و مدیریتی کار کردیم. در سال ۲۰۰۶ که ۹۹ درصد وابسته بودیم، در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) آن را به ۲۵ درصد رساندیم و در سال ۱۳۹۴، وابستگی‌ما را به عدد صفر می‌رسانیم. براساس برنامه‌ریزی‌ای که از قبل داشتیم، باید تا زمان المپیک، کمکهای دولتی را به شهرستان‌ها تخصیص بدهیم.

برنامه‌های جاری فدراسیون والیبال مبتنی بر منابعی است که خودش تامین خواهد کرد. الان به جایی رسیده‌ایم که در رده‌های نوجوانان، جوانان، باشگاه‌ها و بزرگسالان، حرف اول را، ما در آسیا می‌زنیم. دنبال این هستیم که در همه این رده‌ها- جوانان و نوجوانان زیر ۲۳ سال- جزو چهار تیم برتر جهان باشیم و در رده بزرگسالان هم تلاش می‌کنیم که این مقام ششمی خودمان را در جهان تثبیت کنیم و برویم در پی این باشیم که المپیکی شویم و قدرتمندانه در المپیک حضور پیدا کنیم- و این کار سختی است. در کنار این مسائل، بحث والیبال ساحلی و بانوان را داریم که کارهایی هم در آن بخش‌ها انجام می‌دهیم.

* اگر مدیریت‌ها در راستای یکدیگر باشند- نباید بگویند نقطه سر خط- اتفاقی نخواهد افتاد که مانع کار باشد. آقای یزدانی خرم شانزده سال در خصوص والیبال ایران کار کرد و مسئول دفتر ایشان هنوز برای فدراسیون کار می‌کند. سیستم درستی را می‌خواهیم که برای ما کار کند. خیلی از کسانی که با آقای یزدانی‌خرم کار می‌کردند کماکان دارند کار می‌کنند - حالا شاید موقعیت کارشان عوض شده باشد. نفر جدیدی که برای مدیریت وارد می‌شود نباید سیستم را از بین ببرد بلکه باید آنرا اصلاح کند. او باید نقاط ضعف را برطرف و موارد قوت را تقویت کند. در زمانی هم که من به فدراسیون آمدم همین کار را کردم. ما جوری سیستم را اداره کردیم که در آینده هم در صورتی که مدیریت عوض شود، همان سیستم کار خودش را انجام دهد و اگر کاستی‌هایی دارد، آنها را جبران کنند، والیبال نباید به شخص یا حتی به دولت وابسته باشد. ما، وابستگی مالی به دولت را هم از بین بردیم تا سیستم پشتوانه‌سازی، استعدادیابی و سایر کارها را انجام دهد و وابسته به کسی هم نباشد. امروز داورزنی، کواچ یا فران بازیکن باشند یا نباشند، سیستم باید بتواند کارش را انجام دهد. اگر این اتفاق در رشته های دیگر هم بیفتد، می‌توانند موفق باشند و به نتیجه برسند.

* قدرت‌های جهانی دوست ندارند والیبال ایران پیشرفت کند اما همه‌چیز قابل سانسور کردن است اما آیا می‌توانید مسابقات جهانی را که در معرض دید مردم دنیا قرار دارد سانسور کنید؟!خبرنگار برزیل در ایران از من پرسید که شما چه کار کردید که توانستید امسال سه بار ازما ببرید؟! در برزیل ما را شکست دادید. ژاپنی‌ها می‌پرسند شما چه کار کردید که دست‌نیافتنی شده‌اید؟ بنابراین ما برنامه داشتیم و کار کردیم تا توانستیم در دنیا مقتدرانه بدرخشیم. طبیعی است که صهیونیزم بخواهد جلوی ما ایستادگی کند. آنها سناریو و قصه‌ای می‌سازند که اصلا به والیبال ارتباطی ندارد. مثلا یک خانم توسط پلیس دستگیر می‌شود و این موضوع را در افکار عمومی دنیا می‌برند که بابا! چه نشسته‌اید که در ایران، یک خانم رفته مسابقه والیبال را تماشا کند و او را دستگیر کرده‌اند!منافقین، سلطنت‌طلبان و ضدانقلاب هم پشت این قضیه قرار می‌گیرند که ایهاالناس! به داد زنان ایرانی برسید!

آیا دنیا نمی‌داند که این حرف‌ها دروغ است و این خانم به علت تماشاکردن والیبال دستگیر نشده است؟! ولی آنها این مسئله را در بوق می‌کنند تا به نهادهای بین‌المللی فشار بیاورند.

* اگر شما این باور را داشتید باشید که کشورتان یک درصد از جمعیت دنیا را دارد و یک درصد از سرزمین دنیا را دارد و ۱۵ درصد منابع دنیا را دارد، کشور ثروتمندی است این راه برای شما هموار می‌شود. ما ظرفیت‌های بسیاری را داریم که باید به طور صحیح از آنها استفاده کنیم. ما از قبل هم این باور را داشتیم. من با توجه به کارکردی که در ۳۵ سال گذشته در کشور داشتم، اعتقاد دارم که ظرفیت‌های پنهانی در ایران وجود دارد. ما می‌توانیم این ظرفیت‌ها را احصا کنیم و به دست بیاوریم و در جهت پیشبرد اهداف و کارمان از آنها بهره‌برداری می‌کنیم. راحت‌ترین کار این است که بگوییم دولت چقدر به ما پول می‌دهد تا در ازای آن کار کنیم. ولی اگر به این باور رسیدید که می‌توانید مدلی را دنبال کنید که از «برند» خودتان هم استفاده کنید، آن وقت شما مستقل خواهید شد. در سال‌های اول، این «برند» موجب کسب درآمد نمی‌شد اما وقتی آن را تبدیل کردی به یک برند که خریدار داشت، رفته رفته می‌توانید از ظرفیت‌های مختلف استفاده کنید.

دلیل افت رکابزن طلایی ایران در اینچئون چه بود؟

کسب سهمیه المپیک در هاله‌ای از ابهام

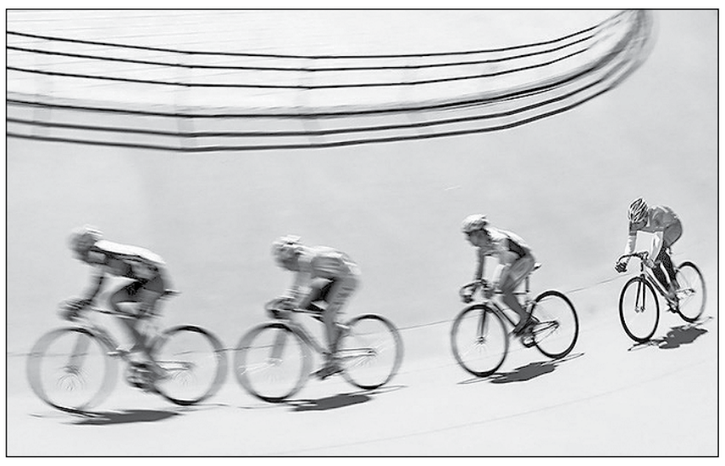

رکابزن طلایی ایران در مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۱۵ مطابق انتظارات ظاهر نشد و به مقام نهمی آسیا بسنده کرد در حد و اندازه قهرمان بازی‌های آسیایی نبود.

پس از این که محمد دانشور در بازی‌های آسیایی به مقام قهرمانی ماده کایرین رسید، انتظارها از او حداقل در سطح آسیا در حد همان قهرمانی بود اما بر خلاف آنچه که تصور می‌رفت دانشور چهار ماه پس از اینچئون در مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۱۵ عملکرد قابل توجیهی نداشت و به مقام نهمی آسیا اکتفا کرد.

با توجه به این که دانشور پیش از این رقابت‌ها در سه کاپ جهانی مکزیک، لندن و کلمبیا شرکت کرده شاید گفته شود فشردگی مسابقات عامل این ناکامی باشد که البته این مساله هم چندان نمی‌تواند توجیه کننده باشد، زیرا رکابزنان مالزی و ژاپنی که قهرمان و نایب قهرمان آسیا شدند نیز به همراه دانشور در این کاپ جهانی حضور داشتند.اصغر خالقی، دبیر فدراسیون دوچرخه‌سواری درباره عملکرد دانشور، اظهار کرد: طی صحبتی که با چاپچی ، مدیر تیم‌های ملی داشتم او گفت که دانشور در دور اول میان دوچرخه‌سواران گیر کرد و چهارم شد. در شانس مجدد نیز در رده سوم قرار گرفت و در نهایت نهم شد. از طرفی ابوحیدری، مربی‌اش نیز می‌گوید که نمی‌تواند همیشه دانشور را در اوج نگه دارد اما مربیان رکابزن کشورها توانسته‌اند رکابزنان خود را در اوج نگه دارند و با وجود این که آنها نیز در کاپ‌های جهانی شرکت کرده بودند، اما در مسابقات قهرمانی سیا مدال گرفتند. البته این را هم بگویم که ابوحیدری ممنوع الخروج بود و نتوانست به مسابقات قهرمانی آسیا برود و دانشور مربی نداشت.وی ادامه داد: نتیجه‌ای که دانشور کسب کرد قابل توجیه نیست و از نتیجه‌اش راضی نیستیم. فکر می کردیم در مسابقات قهرمانی آسیا بتواند امتیاز لازم را کسب کند و در ادامه راه با حضور در قهرمانی جهان و کاپ‌های جهانی دیگر سهمیه المپیک را بگیرد، اما با این شرایط گرفتن امتیاز برای کسب سهمیه المپیک را هم زیر سوال برد.

البته عملکرد رکابزنان دیگر ایران نیز چندان رضایت‌بخش نبود و با پایان رقابت‌های پیست و برگشت تیم باید تجزیه و تحلیلی داشته باشیم. ما امسال حداقل نفرات و کسانی که ۵۰ درصد احتمال کسب مدال را داشتند به مسابقات فرستادیم اما آنها نتوانستند خواسته‌ها را برآورده کنند.

غیبت ستاره‌ها جا را برای گمنامان باز می‌کند؟

نیم نگاه پازاج به فرنگی کاران جوان برای حضور در جام جهانی

با توجه به غیبت احتمالی برخی فرنگی‌کاران نامدار در مسابقات جام جهانی، سرمربی تیم ملی کشتی کشورمان نیم نگاهی به برخی جوانان خواهد داشت.

در شرایطی که فاصله چندانی تا آغاز رقابت‌های جام جهانی کشتی فرنگی باقی نمانده یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کادر فنی تیم ملی کشتی فرنگی کشورمان غیبت برخی از ستاره‌های نامدار کشورمان در این مسابقات است.

اردوی تیم ملی کشورمان در حالی آغاز شده که ۳ فرنگی‌کار نامدار کشورمان یعنی امید نوروزی، حمید سوریان و سعید عبدولی در تمرینات روز نخست شرکت نکردند تا شایعه عدم حضور در مسابقات جام جهانی کشتی فرنگی را بیش از پیش تقویت کنند، البته هنوز این کشتی‌گیران نظر نهایی خود را در ارتباط با شرکت نکردن در این مسابقات نداده‌اند اما به نظر می‌رسد که این ۳ کشتی‌گیر در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی در روز ۳۰ بهمن و اول اسفند ماه غایب خواهند بود تا دست کادرفنی بسته‌تر از همیشه باشد.

در این بین احد پازاج که خود فکر چنین روزهایی را کرده بود و پیش از این نیز عنوان کرده بود که در صورت غیبت برخی از فرنگی‌کاران نامدار از نفرات برتر جام تختی استفاده خواهد کرد و بر همین اساس نیز به نظر می‌آید که کادر فنی کشتی فرنگی باید چنین اقدامی را عملی کند.

با وجود این غیبت برخی از فرنگی‌کاران شاید توفیق اجباری باشد تا فرنگی‌کاران جوان کشورمان شانس روبرو شدن با نامداران روسی و آذربایجانی را پیدا کنند. نامدارانی که این فرصت خوب برای آنها پدید آمده و باید نهایت بهره را از آن ببرند، البته مشکلی که در این بین وجود دارد نزدیکی مسابقات اوپن با جام تختی و جام جهانی است. قهرمانی محسن حاجی‌پور، امین سوری، مهدی زیدوند، فرشاد رستمی‌کیا، یوسف قادریان و حتی ادریس ابراهیمی و مسعود نعمت چگانی که همگی جزو فرنگی‌کاران جوان به حساب می‌آیند، در مسابقات اوپن پیام خوبی است برای کادر فنی تیم ملی کشتی فرنگی که این روزها با کمبود پشتوانه مواجه است.

با این شرایط و میدان دادن به جوانانی چون سوری، زیدوند و قادریان تیم ایران برای سال‌های آینده نیز امیدوار خواهد بود و شاید به نوعی خلأهای موجود نیز پر شود. شکی نیست که کار ایران برای تکرار عناوین قهرمانی‌های قبل مشکل خواهد بود اما با میدان دادن به جوانان هیچ چیز از ارزش تیم ملی کشتی فرنگی کم نخواهد شد.

به هر شکل باید منتظر ماند و دید که آیا پازاج به نفرات برتر جام اوپن میدان می‌دهد یا باید منتظر حضور برخی از نفراتی که سن و سال زیاد دارند و در جام تختی بدون حضور نامداران قطعا اول می‌شوند، بود؟

انتقاد گسترده رسانه‌ها از جنجال آفرینی‌های ملی‌پوش جام ملت‌ها رفته!

رسانه‌های کره‌جنوبی از لژیونر جام ملت‌ها رفته کشورشان به خاطر داشتن وسایلی لوکس و غیرقانونی به هنگام ورود به آلمان انتقاد کردند.

در چند روز گذشته رسانه‌های صوتی و تصویری کره و همچنین نشریات این کشور انتقاداتی علیه «جین سو کیم» بازیکن کره‌ای‌ها در جام ملت‌های ۲۰۱۵ آسیا داشتند. این بازیکن بعد از آنکه همراه با تیم کشورش در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا حضور یافت، بعد از چند روز حضور در کشورش برای از سرگیری فعالیت با تیم بوندس‌لیگایی‌اش «هوفن‌هایم» راهی آلمان شد.

در بدو ورود به فرودگاه فرانکفورت، پلیس گمرگ وی را جریمه کرد. علت این امر که با دستگیری چند ساعته وی همراه بود، به خاطر به همراه داشتن یکسری وسایل لوکس همچون ساعت های مچی و تبلت به هنگام ورود به خاک آلمان بود که ملی‌پوش کره‌ای آن را به اطلاع مقام‌های مسئول در محل نرساند.

انتشار این خبر همچون بمب خبری در رسانه‌های کره بازتاب داشت. این رسانه‌ها از بازیکن ملی‌پوش خود به خاطر عدم توجه به قوانین گمرکی آلمان انتقاد کردند.

جواب رد مربیان مطرح اروپایی به ژاپنی‌ها

سرمربی آتزوری در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل به پیشنهاد ژاپن برای هدایت «سامورایی‌های آبی» پاسخ منفی داد.

«چزاره پراندلی» بعد از دریافت پیشنهاد هدایت تیم ملی ژاپن آن را مورد بررسی قرارداد اما در نهایت اعلام کرد قادر به همکاری نیست. این مربی ۵۷ ساله در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۴ که اوایل تابستان با قهرمانی آلمان خاتمه یافت، تیم ملی ایتالیا معروف به آتزوری را هدایت کرد. وی سپس برای مدت چند ماهی تیم گالاتاسرای را هدایت کرد اما بعد عزل شد.

او که اکنون بیکار است، اظهار داشت: دریافت پیشنهاد از طرف ژاپنی‌ها باعث خرسندی و افتخار است اما به دلایل شخصی امکان حضور در ژاپن را ندارم.این اظهارات در حالی انتشار یافت که گلن هادل، مربی اسبق انگلیس نیز پیشنهاد همکاری با تیم آسیایی را رد کرد.فدراسیون فوتبال ژاپن هفته گذشته خاویر آخیره را از کار برکنار کرد.

تصمیم گیری در مورد کادر فنی تیم ملی کاراته با مشورت مدیر

سرمربی تیم ملی کاراته بزرگسالان و مردان کشورمان هنوز تصمیمی در مورد مربیان تیم ملی نگرفته‌است اما قصد دارد همکاران خود را با مشورت مدیر تیم‌های ملی انتخاب کند.

علیرضا سلیمانی در پاسخ به این سوال که آیا کادر فنی تیم ملی را انتخاب کرده است گفت: هنوز تصمیمی در این باره نگرفته‌ام اما مهم‌ترین اصلی که مد نظر دارم، همدلی و همراهی است و به زودی نفرات را مشخص می‌کنم. ما یک تیم هستیم و در قالب یک تیم هم باید کار کنیم.

وی در پاسخ به این سوال که آرین خو مدیر تیم‌ها گفته بود مربیان تیم ملی باید با نظر او انتخاب شوند گفت: صددرصد قبل از اینکه کادر فنی معرفی شود، با مدیر تیم‌های ملی مشورت خواهم کرد چون هدف‌مان یکی است. البته مدیر تیم‌های ملی برای انتخاب نفرات به من اختیار تام داده است. باز هم می‌گویم که ما یک تیم هستیم و با مدیر تیم ملی هماهنگ کار خواهیم کرد.

سرمربی تیم ملی کاراته بزرگسالان مردان که در مسابقه‌های سوپرلیگ حضور داشت و رقابت‌ها را از نزدیک تماشا می‌کرد در مورد سطح رقابت‌ها گفت: سطح مسابقه‌ها بد نبود اما به هر حال همیشه امیدواریم که سطح رقابت‌ها تا حدی که می‌تواند بالا باشد. وضعیت خوبی را در لیگ می‌بینم.

وی در پاسخ به این سوال که آیا در رقابت‌های لیگ نفرات ناشناس موفق‌تر ظاهر شدند یا چهره‌های نامدار تیم ملی گفت: به این سوال این طور جواب می‌دهم که یک قهرمان وقتی از سکو پایین می‌آید، باید دوباره برای شرکت در مسابقه‌ها، خودش را آماده کند و یک ورزشکار است. من برای قهرمانان خودمان احترام زیادی قائل هستم